

❖ ترجمه در کنکور سراسری

تست های ترجمه در کنکور سراسری ۱/۳ کل درس عربی را به خود اختصاص می دهد که اگر داوطلب بتواند این قسمت را با مهارت بالایی سپری کند، یعنی می تواند بدون فراگیری سایر مطالب حداقل ۳۰٪ عربی را در کنکور بزند. لازم به ذکر است که در اکثر سالها میانگین درصد کل کشور دروس عربی منفی می باشد و در سالهای اخیر در بیشترین حالت، میانگین کشور به ۶٪ رسیده است.

اکنون به توضیح مفصل تست های ترجمه می پردازیم.

تست های ترجمه به ۴ تقسیم بندی می شود :

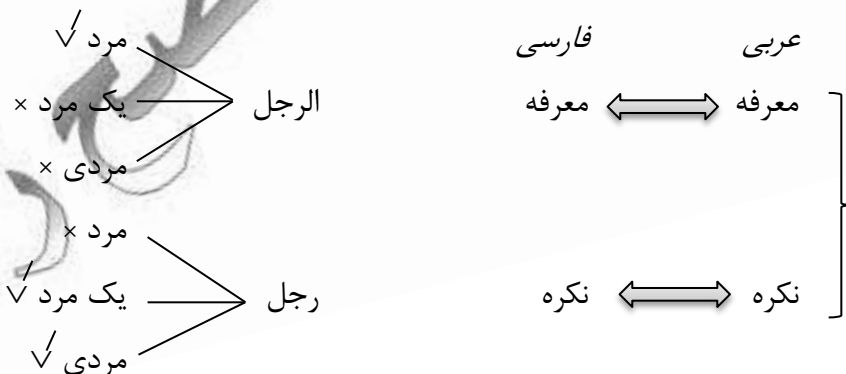
- (۱) تست های ترجمه (عربی به فارسی) ← ۳-۴ عدد
- (۲) تست های تعریب (فارسی به عربی) ← ۱-۲ عدد
- (۳) تست های عین صحیح و عین الخطا ← ۱-۲ عدد
- (۴) تست های مفهوم ← ۱ عدد

قابل توجه داوطلبان عزیز : ابزار های لازم برای پاسخگویی به این سؤالات یکسان می باشد، لذا به توضیح آنها

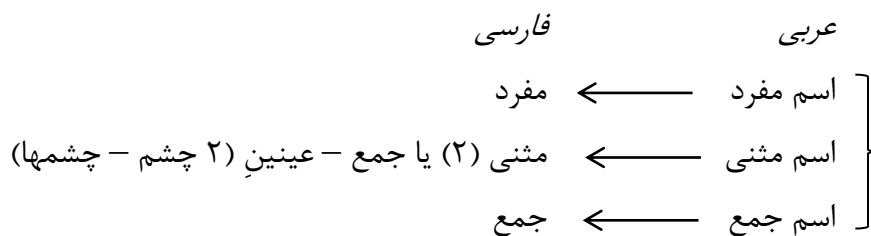
می پردازیم:

✓ نکات ترجمه ی اسم

(۱) معرفه - نکره : تطابق معرفه - نکره در عربی و فارسی ۱۰۰٪ الزامی است، یعنی :



(۲) تعداد : تطابق تعداد نیز در ترجمه ۱۰۰٪ الزامی است، یعنی :



۳) ضمیر: در ترجمه ی ضمیر بدانید که حق اضافه و کم کردن نداریم یعنی ضمیری که در عربی موجود است، حتماً در فارسی نیز باید ترجمه گردد و اگر ضمیر در عربی موجود نباشد، به هیچ عنوان نباید در فارسی ترجمه گردد.

رأيتُ ظلماتِ بحرِها. ← تاریکی های دریا را دیدم. ✓

تاریکی دریا را دیدم. ×

۴) اسم/ اشاره: برای اسم اشاره دو حالت وجود دارد:

۱- اسم اشاره + اسم ال دار ← در این شرایط اسم اشاره ۱۰۰٪ مفرد ترجمه می شود.

۲- اسم اشاره + اسم بدون ال ← در این شرایط اسم اشاره مطابق با اسم بعد از خود ترجمه می شود.

در این شرایط اگر اسم بعد از اشاره جمع باشد، اسم اشاره هم جمع ترجمه می شود.

در این شرایط اگر اسم بعد از اشاره مفرد باشد، اسم اشاره هم مفرد ترجمه می شود.

هؤلاء المومنات ← این زنان مومن

هؤلاء فلاحون ← اینها کشاورزانی هستند که ...

هذا کتاب ← این کتابی است که ...

۵) اسم موصول: اسم ال دار + اسم موصول خاص ترجمه اسم موصول خاص به صورت "ایکه" می باشد.

الرجل الذی ← مردی که الشجرات الّتی ← درختانی که

تذکر! اسم های موصول عام عبارتند از: (۱) من (برای اشخاص) (۲) ما (برای اشیاء)

تذکر! تفاوت مَن و ما شرطی و مَن و ما موصول به این صورت است که اگر بعد از مَن و ما دو فعل بیاید و هر دوم مجزوم باشند، مَن و ما شرطی و اگر دو فعل مجزوم بعد از آنها نداشته باشیم مَن و ما موصول خواهند بود.

۱- ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللهُ: هر آنچه از خوبی انجام دهید، خدا آن را می داند.

شرطی (۱) (۲)

۲- أَنْفِقْ بِنِمْاءِ عِنْدِكَ فِي سَبِيلِ اللهِ: از آنچه نزد توست، در راه خدا انفاق کن.

موصول

در ترجمه ← مَن و ما شرطی: ترجمه هر الزامی است.

- ۲) مشتقات کان + فعل مضارع ← می رفت (ماضی استمراری)
 ۳) قد + ماضی ← رفته است (ماضی نقلی)
 ۴) قد + مضارع ← گاهی می رود (گاهی + مضارع)
 ۵) مشتقات کان + قد + ماضی ← رفته بود (ماضی بعید)
 ۶) لم + مضارع ← نرفت (ماضی منفی)
 ۷) لن + مضارع ← هرگز نمی رود، نخواهد رفت (هرگز + مضارع منفی - مستقبل منفی)
 ۸) لمّا + مضارع ← هنوز نرفته است (هنوز + ماضی نقلی منفی)
 ۹) لمّا + ماضی ← هنگامی که رفت (هنگامی که + ماضی)
- مفعول فیه

☑ **تذکر!** بدانید که ترجمه ماضی نقلی و ماضی ساده می توانند به جای هم بکار برده شوند.

برای مثال: قد + ماضی ← رفته است - رفت

جواب شرط
مضارع اخباری

+ فعل شرط
مضارع التزامی

إِنْ
مَنْ
مَا
إِذَا
أَيْنَمَا

اسلوب شرط

← دقت کنید فعل شرط و جواب شرط می تواند ماضی نیز باشند که در این صورت باز هم هیچ تفاوتی در معنی آنها رخ نمی دهد. مثال: مَنْ جَدَّ وَجَدَّ. ← هر کس تلاش کند، می یابد.
ماضی ماضی

← **یادآوری:** دو نکته ی بسیار مهم نیز در ترجمه ی مستثنی و مفعول مطلق وجود دارد که به توضیح آن می پردازیم:

- ۱) مفعول مطلق: الف) تأکیدی ب) نوعی (بیانی)
 - صَدَّقْتُ كَلَامَكَ تَصَدِيقًا وَ دَهَبْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ.
 - يُحَاسِبُ الْمُؤْمِنُ فِي الْقِيَامَةِ مُحَاسَبَةً دَقِيقَةً.
 ۲) مستثنی:

- أَدَّيْتُ تَمَارِينِي إِلَّا التَّمْرِينَ الْأَوَّلَ.
 - لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ.



❖ روش بررسی سوالات ترجمه (فارسی به عربی) :

در حل این تست ها نیز به سراغ مقایسه گزینه ها می رویم و گزینه ها را با هم مقایسه می کنیم، فقط بدانید علاوه بر غلط های ترجمه ای، باید غلط های قواعد را نیز مورد بررسی قرار دهیم که مهمترین آنها عبارتند از :

(۱) نحوه ی صحیح به کار بردن فعل : مفرد + کننده کار كانوا المسلمین — کلّی المسلمون .
کننده کار المسلمون كانوا .

وسط جمله

(۲) افعال ناقصه : كان - صار - ليس - أصبح - مادام - مازال
حروف مشبهه : إن - أن - كأن - لكن - لعل - لیت

خبر + اسم

(۳) ترجمه ترکیب های اسمی ← دو اسمی ← اضافی ← مضاف ← مضاف الیه ← ال ← تنوین

تنوین

ال × تنوین ×

صفت

وصفی ← موصوف

ال ← ال

تنوین ← تنوین

چند اسمی ← همگی اضافی - همگی وصفی. به ترتیب فارسی، عربی نیز تا انتها ترجمه می شود.

تلفیق اضافی - وصفی. ابتدا مضاف الیه سپس صفت ها ترجمه می شود.

مثال : - دیوار اتاق ← جدار الغرفة.

- دیوار اتاقی ← جدار غرفة.

← در ترکیبات اضافی فقط آخرین مضاف الیه حق ال / تنوین گرفتن دارد.

- دیوار اتاق ما ← جدار غرفتنا - رنگ اتاق زیبا ← لون الغرفة الجميلة .

- رنگ اتاق زیبای ما ← لون غرفتنا الجميلة.

- رنگ زیبای اتاق ← لون الغرفة الجميل.

- رنگ زیبای اتاق ما ← لون غرفتنا الجميل.

- دیدم رنگ های زیبای اتاقمان را. ← رأيتُ ألوانَ غرفتنا الجميلة.

مفعول م.اليه م.اليه صفت منصوب

- دیدم رنگ های اتاق زیبای مان را. ← شاهدتُ ألوانَ غرفتنا الجميلة.

مفعول م.اليه م.اليه صفت مجرور

قاعده عرب ۱ : جمع غير انسان در مكه مفرد مؤنث است.

۴) یادآوری اسم اشاره - اسم اشاره + اسم ال دار | اسم اشاره بدون ال
۱۰۰٪ مفرد

- اسم اشاره + اسم بدون ال | اسم اشاره ال دار
جمع ← جمع
مفرد ← مفرد

- این معجزه قرآن است. ← هذه معجزة القرآن.
 - این معجزه، قرآن است. ← هذه المعجزة القرآن
 - این معجزه قرآنی است. ← هذه المعجزة قرآني.
 - این معجزه قرآنی، اسلام است. ← هذه المعجزة القرآنية اسلام.
- صفت بدون ال



کنکور سراسری هنر ۹۲

▪ عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم . (۲۶ - ۳۳)

۲۶- " اللهم؛ قد و هبتنی کلّ ما كنت غير مستأهل له، لأنّ فضلک يشمل کلّ عبادک!"

- (۱) خدایا؛ هر آنچه سزاوار آن نبودم به من عطا کرده ای، زیرا لطف تو همه ی بندگان را شامل می شود!
 - (۲) پروردگارم؛ آنچه را شایسته ی آن بودم به من داده ای، چون بخشندگی تو شامل همه ی بندگان است!
 - (۳) پروردگارا؛ به من می دهی همه ی آنچه را شایسته ی آن نیستم، زیرا فضل تو شامل همه ی بندگان می شود!
 - (۴) خداوند! به من عطا کن هر چیزی را، حتی اگر سزاوار آن نباشم، چون مهربانی تو به همه ی بندگان رسیده است!
- ۲۷- " إذا تعوّد الناس أن يعملوا الحسنات لا يشقنّ علی أنفسهم عبثاً!"

- (۱) هر گاه عادت مردم بر کارهای نیک باشد بیهوده بر نفس خود سخت نمی گیرند!
- (۲) هر گاه مردم عادت کنند که کارهای نیک بکنند بیهوده خود را به مشقت نمی اندازند!
- (۳) هنگامی که مردم به کارهای نیک عادت کنند سختی را بیجهت به خود راه نخواهند داد!
- (۴) هنگامی که کار نیک کردن عادت مردم شود مشقت بی جهت را بر خود تحمیل نمی کنند!

۲۸- " لا دين للمتولون و إن ألقاك في الخطا و تظاهر بكمال دينته! "

- (۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیافکند!
- (۲) هیچ دینی ندارد آن کس که دو رنگ است و به کمال دین داریش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود!
- (۳) انسان دورو هیچ دینی ندارد اگر چه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!
- (۴) آنکه دورو است دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!

۲۹- " إن كسرت من هو أسفل منك بدرجات و حملت عليه ما لا يطيق، فقد كسرت نفسك حقاً! "

- (۱) هر زمان شخصی را که از تو مراتبی پایین تر است بخواهی بشکنی و چیزی را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقیقتاً خود را می شکنی!
- (۲) وقتی فردی از تو چند درجه ای پایین تر باشد و تو او را شکستی و آنچه را تحمل آن را ندارد بر او بار کنی، به حق که فقط را خود را می شکنی!
- (۳) زمانی که کسی از تو مراتبی پایین تر بود و او را شکستی و آنچه را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقاً خود را شکسته ای!

۳۰- عین الخطأ :

- (۱) إنّ الدّین یطلبون حياة طيبة یعیشون بقدره : آنان که زندگی شرافتمندانه ای می خواهند با قدرت زندگی می کنند.
- (۲) و یحملون مشقّاتها و لا ینسون الآخیرین فی حیاتهم : و سختیهایش را تحمل کرده دیگران را در زندگیشان فراموش نمی کنند.
- (۳) و لكنهم لا یتوقّعون من النّاس شیئاً : اما آنها از مردم توقع چیزی نداشته اند.
- (۴) هؤلاء هم یؤمنون بأنّ الله کفیل لرزق عباده! : اینها همانها هستند که ایمان دارند به اینکه خداوند روزی بندگان را عهده دار است!

۳۱- " المرء على دين خليله و قرينه ! " . عین غیر المناسب للمفهوم :

- (۱) هر که با دیگ نشیند بکند جامه سیاه!
 - (۲) تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که تو کیستی!
 - (۳) با بدان کم نشین که درمانی خوی پذیر است نفس انسانی!
 - (۴) همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید!
- ۳۲- « ما نباید خود را با هر نوع شوخی مشغول کنیم، زیرا بعضی از آنها را به راه باطل می کشاند! » عین الصحیح :

- (۱) علينا أن لا نشغل أنفسنا بكلّ نوع من أنواع المزاح، فإنّ بعضه يجرّنا إلى الطريق الباطل!
- (۲) يلزم علينا أن لن ننشغل بكلّ أنواع المزاح، لأنّ البعض منه يجرّ المسير الباطل لنا!
- (۳) يجب علينا عدم الاشتغال بأيّ نوع من أنواع المزاح، فبعضه يجرّ لنا النهج الباطل!
- (۴) علينا عدم الانشغال بكلّ نوع من أنواع المزاح، حتّى لا يجرّ السبيل الباطل لنا!

۳۳- « امسال برای بار چهارم برنده ی یک جایزه در تألیف سه کتاب در زمینه ی زبان و ادبیات شدم! » :

- (۱) هذا العام أصبحت للمرأة الرابعة حائزاً على جائزة واحدة في تأليف ثلاثة كتب في مجال اللّغة و الأدب!
- (۲) أنا في هذه السنّة لأربع مرّات أصبحت ناجحاً على جائزة في كتابة ثلاث كتاب في مجال اللّغة الأدب!
- (۳) هذه السنّة سوف كنت لأربع مرّات صرت موفّقاً على واحدة جائزة في كتابة ثلاث كتب عن اللّسان الأدب!
- (۴) أنا في هذا العام كنت للمرّة الرابعة قد أصبحت فائزاً عل جائزة في مجال الكتاب الثالث في اللّسان و الأدب!

کنکور سراسری تجربی ۹۲

▪ عين الأصحّ و الأذقّ في الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم . (۲۶ - ۳۳)

۲۶ - " اليوم حاولت أن أعطى ذلك العامل هديّة ثقّل من تعب عمل! "

- (۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهم!
- (۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه ای بدهم که از سختی کارش کم کند!
- (۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه از سختی کار آن کارگر بکاهم!
- (۴) با تلاش امروزم در دادن هدیه به آن کارگر سختی عمل او کم شد!

۲۷- " لا أقدر على القيام بهذا العمل الخطير إلا أن يساعدني والداي مساعدةً مثمرة! "

- (۱) من قادر به انجام این کار مهم نیستم مگر اینکه والدینم به نحوی ثمربخش به من کمک کنند!
- (۲) زمانی به انجام دادن این عمل با ارزش اقدام می کنم که از والدینم مساعدتی تأثیر گذار داشته باشیم!
- (۳) اگر پدر و مادر مرا در اقدام به این کار پرخطر یاری مؤثری نکنند نمی توانم آن را به خوبی انجام دهم!
- (۴) فقط در صورتی می توانم این کار را خوب انجام دهم که پدر و مادرم مرا به گونه ای ثمربخش یاری نمایند!

۲۸- " قد أنشد هذا الشاعر أبياتاً متعدّدة في وصف العلم و العالم ليقراها في مجلس تكريم العلماء الكبار! "

- (۱) شاعران بیشماری ابیاتی در مورد دانش و دانشمند سروده اند تا در مجالس بزرگداشت علمای بزرگ خوانده شود!

- (۲) این شاعر ابیات متعددی را در وصف علم و عالم سروده تا آنها را در مجلس بزرگداشت دانشمندان بزرگ بخواند!
- (۳) بیت های فراوانی را این شاعر درباره ی علم و عالم می سراید تا در مجلسی برای تکریم دانشمندان بزرگ آنها را بخواند!
- (۴) در توصیف دانش و دانشمند این شاعر بیتهای زیادی سروده است تا در همایش بزرگ علمای بزرگ خوانده شود!

۲۹ - " لا تنظر إلى الدنيا بالتشاؤم، فإنه يتلف عمرک و لا یسمح لک أن تذوق طعم الحیاة الحقیقی!"

- (۱) با بدبینی هیچگاه به دنیا منگر، چه عمر را تلف کرده نمی گذارد تو طعم زندگی واقعی را بچشی!
- (۲) با بدبینی به دنیا نگاه مکن، زیرا عمرت را تباه می کند و به تو اجازه نمی دهد طعم حقیقی زندگی را بچشی!
- (۳) به دنیا با بدبینی نگاه مکن، زیرا عمرت را تلف می کند و به تو اجازه نمی دهد طعم زندگی حقیقی را درک کنی!
- (۴) به این دنیا با بدبینی که زندگیت را تلف می کند نگاه مکن، چه اجازه نمی دهد طعم واقعی زندگی را درک کنی!

۳۰- عین الصحیح:

- (۱) عندما أشعر بالألم ألتصق بالأرض بالسجود الطویل، : هنگامی که احساس درد می کنم با سجده ی طولانی به زمین می چسبم.
- (۲) و أخرج كل ما بداخلی فسأجد هناک من یسمعی، : و آنچه را در رون دارم بیرون می ریزم پس در آنجا کسی را خواهم یافت که به او گوش دهم.
- (۳) و ما أعرفه إلا بعد أن أسبّحه لیلاً و نهاراً بالاشتیاق، : و او را نشناخته ام مگر اینکه شبانه روز به خاطر شوقم وی را تسبیح گفته باشم.
- (۴) و هذا الشوق لا یوصلنی إلا إلى من هو الله الواحد! : و این اشتیاق مرا به کسی که همان خدای واحد است رسانده است!

۳۱ - " إعمل عمل من یعلم أن الله مجزیه بإساءته و إحسانه! " عین المناسِب للمفهوم :

- (۱) و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله! (۲) البرّ أن تعمل فی السرّ عمل العلانیة!
- (۳) ما یعمل الإنسان من خیر أو شرّ یحاسب علیه! (۴) من یعمل الخیر ینتفع به فی النّهاییة!
- ۳۲- « شایسته ی اهداف عالیه ی تو است که همت زیادی صرفشان کنی! »
- (۱) یلیق لغایاتک السامیة أن تبدل لها همّة کثیرة ! (۲) من اللائق لأهداف قیّمته أن تخرج لها همّتک الکثیرة!
- (۳) لائق لک و لأهدافک السامیة أنّ همّة کثیرة یُبدّل لها! (۴) ینبغی لک و لغایاتک القیّمة أن تخرج همّتک الکثیرة لها!
- ۳۳- « چون عشق درست و حقیقی باشد، بلا به رنگ نعمت ظاهر می گردد! »

- (۱) لو كان الحب حقیقیّاً مع الصّداقة کلّ المصائب تتلون بلون النعمة!
- (۲) عندما یكون حبنا الصّداقة الحقیقیّة نعتبر المصائب نعمات!
- (۳) إن یکن الحبّ صادقاً و حقیقیّاً تظهر المطیبة بلون النعمة!
- (۴) إن كانت المحبّة صادقاً حقّاً تصیر المصیبة بلون النعمات!

کنکور سراسری ریاضی ۹۲



▪ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم . (۲۶ - ۳۳)

۲۶- " يجب أن نسمح لأصدقائنا أن يطرحوا علينا مشاكل حياتهم لعلنا نستطيع أن نزيلها! " :

- (۱) واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آنها را حل نماییم!
- (۲) ما به دوستان خود اجازه می دهیم که با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما، بتوانیم آنها را از بین ببریم!
- (۳) باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آنها را برطرف کنیم!
- (۴) بر ما واجب است اجازه ی مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آنها را زایل کنیم!

۲۷- " العالم يقوم بالعمل و لن يستطيع أحد أن يفرّ من هذه السنّة الإلهيّة، أنت أيضاً إن تدرکها تفرّ! " :

- (۱) دنیا با کار و فعالیت اداره می شود و هیچ کس از این سنت خدایی فرار نخواهد کرد، تو نیز چنانچه آن را درک کنی پیروز می شوی!
- (۲) عالم بر کار برپاست، و هیچ کس نخواهد توانست از این سنت الهی رهایی یابد، تو نیز اگر آن را درک کنی رستگار می شوی!
- (۳) هستی قائم بر کار است و احدی نتوانسته است از این قانون الهی نجات یابد، و تو نیز اگر درکش کردی پیروز خواهی شد!
- (۴) جهان بر پایه ی کار استوار است، احدی نمی تواند از آن رهایی یابد، البته اگر تو آن را بفهمی رستگاه خواهی شد!

۲۸- " الطّبیُّ کأنّه إنسان شاعر يُدرک جمال اللَّیل و هو یرقب القمر بإعجاب کثیر! " :

- (۱) این آهو چون انسانی است شاعر که قدر شب زیبا را دانسته و نظاره گر زیبایی ماه است!
- (۲) چه بسا آهو انسانی است شاعر که قدر زیبایی شب را می داند و ماه را با تعجب بسیار نظاره می کند!
- (۳) هو گویی انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می نماید و با شگفتی بسیار ماه را نظاره می کند!
- (۴) گویی که این آهو همچون انسان شاعری است که شب زیبا را درک می کند و بطوری عجیب نظاره گر ماه است!

۲۹- " زوّد الله کلاً من مخلوقاته بخصائص ممتازة حتّى یستفید منها فی الحفاظ عن نفسه مقابل خشونة الحیاة! " :

- (۱) خدا هر یک از مخلوقاتش را خصوصیت ممتازی بخشیده تا با آن خود را در زندگی خشن و سخت حفاظت کند!
- (۲) خدا همه ی مخلوقات را به خصایل برجسته ای مجهز کرده تا آنها را در حفاظت از خود در برابر ناملایمات زندگی بکار گیرند!
- (۳) خداوند به هر کدام از آفریده ها خصلت ممتازی داده تا بدان وسیله بتوانند از خود در مقابل خشونت زندگی محافظت نمایند!
- (۴) خداوند هر یک از آفریدگانش را به خصوصیتی برجسته تجهیز کرده تا از آنها در حفاظت از خویش در مقابل خشونت زندگی استفاده کند!

۳۰- عین الخطأ :

- (۱) کان ابی لایترک صلاة أوّل الوقت أبداً، : پدرم هرگز نماز اول وقت را ترک نمی کرد.
- (۲) و یقول لنا دائماً إنّها من وصایا النّبی (ص)، : و همواره به ما می گفت که آن از توصیه های پیامبر (ص) است.
- (۳) و قد قبل عن الصّلاة : حافظوا علی الصّلاة و تقرّبوا بها، : و در مورد نماز گفته شده : نماز را نگاه دارید و بوسیله ی آن تقرب بجویید.
- (۴) فاعلم أنّ کلّ شیء من عملک تبع لصلاتک! : پس می دانی که هر چیزی از اعمال تو در گرو نماز است!

۳۱- « نیک و بد روزگار در گذر است! » عین المناسب للمفهوم :

- (۱) و اغتتم عمرک ایام الصبَا
 (۲) رأیت الدَّهرَ مختلفاً یُدور
 (۳) قَصَّرَ الأَملَ فی الدُّنیا تَفز
 (۴) و ما المالُ و الأهلونَ إلاَّ وُدائع
 فهو إن زاد مع الشَّیبِ نَقص!
 فلا حزنَ یُدوم و لا سرور!
 فدلیل العقل تقصیر الأمل!
 و لا بَدَّ یوماً أن تردَّ الودائع!

۳۲- « زمین به جاذبه ی خود مباحث می کرد در حالیکه پرندگان می خندیدند! »

- (۱) كانت الأرضُ تَفخرُ بجاذبیَّتها و الطیورُ تضحک!
 (۲) إنَّ الأرضَ تفتخرُ بالجاذبیَّةِ لها و الطیورُ تضحک!
 (۳) إنَّ الأرضَ أصبحتُ تَفأخرُ بجذبها و كانت الطیورُ تضحک!
 (۴) كانت الأرضُ تَفأخرُ بقدره جذبها و أصبحت الطیورُ ضاحکة!

۳۳- « برای رساله ی خود مقدمه ای در هشت صفحه نوشتیم و دو هفته قبل سه صفحه ی آخر آن را تصحیح کردم! »:

- (۱) أَلَفْتُ ثَمَانیَ صَفحاتٍ لمقدمة رسالتی و قَبْلَ أُسبوعین صَحَّحتُها ثلاثهَ صَفحاتٍ من آخرها!
 (۲) أَلَفْتُ ثَمَانیَ صَفحاتٍ لمقدمتی فی الرسالة و صَحَّحتُ ثلاثَ صَفحاتٍ منها قَبْلَ أُسبوعین!
 (۳) کتبتُ لرسالتی مَقدِّمةً فی ثَمَانیَ صَفحاتٍ و صَحَّحتُ ثلاثَ صَفحاتٍ من آخرها قَبْلَ أُسبوعین!
 (۴) لرسالتی کتبتُ مَقدِّمةً فی ثَمَن صَفحاتٍ و صَحَّحتُها قَبْلَ أُسبوعین اثْنین ثلاثَ صَفحاتٍ منها!

گنگور سراسری انسانی ۹۲

▪ عین الأصَحِّ و الأدقِّ فی الأجوبة للترجمة أو التعرِیب أو المفهوم . (۲۶ - ۳۳)

۲۶- " لم یکن أحدٌ نظَّنَّ أنَّنی أكون صبوراً هكذا أمام متاعب الدُّنیا ! " :

- (۱) کسی تصور نمی کند که من تا این حد در برابر مشکلات زندگی مقاوم باشم!
 (۲) کسی گمان نمی کرد که من در مقابل سختی های دنیا این چنین صبور باشم!
 (۳) هیچ کس تصور نمی کرد که من این همه در برابر پیچیدگی های زندگی مقاوم کنم!
 (۴) هیچ کس گمان نکرد که من این چنین در مقابل سختی و مشقت دنیا شکیبایی بخرج دهم!

۲۷- " کونوا من الصَّالِحین و ادعوا النَّاسَ إلى عملکم الصَّالِح حَتَّى تصبَحوا أُسوةً لهم! " :

- (۱) از صالحان باشید و مردم را به عمل صالحتان فراخوانید تا اسوه ای برای آنان بگردید!
 (۲) شما نیکوکار بودید و مردم را به عمل نیکتان دعوت کردید بنابراین اسوه ی آنان می باشید!
 (۳) از مردم صالح باشید و مردم را با عمل صالح خود به نیکی فراخوانید تا اسوه ی آنان بگردید!
 (۴) صالح و درستکار بودن و دعوت کردن مردم به عمل نیکون سبب می شود تا اسوه ی آنها باشید!

۲۸- " ذهب هذا الضیف إلى بیئت صدیقة من غیر إعلان مُسِیق، مع هذا أکرمه بخنان! " :

- (۱) مهمان بدون اینکه به دوستش خبر دهد رهسپار خانه اش شد، با این همه دوستش او را به گرمی پذیرفت!

- (۲) میهمان به منزل این دوست خود آمد بدون اعلام قبلی ، با این وصف وی را به گرمی استقبال کرد!
 (۳) این مهمان بدون اعلام قبلی به خانه ی دوستش رفت، با وجود این او را با مهربانی گرمی داشت!
 (۴) این میهمان به منزل دوستش آمد بی آنکه او را با خبر سازد، ولی او مهربانانه اکرانش کرد!

۲۹- " كَلَّ خَلِيَّةٌ مِنْ خَلَايَا الْعَيْنِ فِي الْقِطَّةِ تَعْمَلُ عَمَلَ انْعِكَاسِ الضَّوِّ كَالْمَرْأَةِ! " :

- (۱) همه ی سلولهای چشم گربه نور را همچون آینه در خود منعکس می کنند!
 (۲) هر سلولی در چشم گربه مثل آینه ای مسؤولیت انعکاس نور را به عهده دارد!
 (۳) تمام سلولهای چشم در گربه همچون آینه عمل انعکاس نور را انجام می دهند!
 (۴) هر سلولی از سلولهای چشم در گربه عمل انعکاس نور را مثل آینه انجام می دهد.

۳۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ :

- (۱) الفقر يُؤلِّدُ مِنَ الْكِسَالَةِ وَالضَّعْفِ ! : فقر کسالت و ضعف را بوجود می آورد!
 (۲) مِنْ طَرَقِ الْبَابِ كَثِيرًا يَوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ! : هر کسی دری را زیاد بکوبد برایش باز می شود!
 (۳) الْعِزَّةُ حَالَةٌ تَمْنَعُ الْإِنْسَانَ مِنْ أَنْ يُغْلَبَ ! : عزت حالتی است که مانع این می شود که انسان مغلوب گردد!
 (۴) إِنْ تَرَّ السَّحْبُ السَّوْدَاءَ كَثِيرَةً، فَبَعْدَ قَلِيلٍ سَتَمَطُرُ! : اگر ابرهای سیاه بسیار دیده شود بعد از کمی باران خواهد بارید!

۳۱- " الصَّيْدُ الَّذِي نَجَا مِنْ شَبَكْتِهِ الْيَوْمَ لَنْ يَنْجُو مِنْهَا غَدًا ! " . عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ :

- (۱) چو فردا شود فکر فردا کنیم!
 (۲) از امروز کاری به فردا ممان!
 (۳) شکار سر تیز که آمد، باید زد!
 (۴) عاقبت پیک جان ستان برسد!

۳۲- " ای کسانی که بزرگی را می خواهید، تلاش کنید تا آن را بدست آورید! " عَيْنِ الْخَطَا :

- (۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ تَرِيدُونَ الْعُلُوَّ، إِسْعُوا حَتَّى تَكْتَسِبُوهُ!
 (۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ تَرِيدُونَ الْعُلُوَّ، إِسْعُوا حَتَّى تَكْتَسِبُوهُ!
 (۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ تَرِيدُونَ الْعُلُوَّ، إِسْعُوا حَتَّى تَكْتَسِبُوهُ!
 (۴) يَا أَيُّهَا اللَّاتِي تَرِدْنَ الْعُلُوَّ، إِسْعِينَ حَتَّى تَكْتَسِبِينَ!

۳۳- " پنج جوان بوسیله ی سه ماشین برای چهارمین بار برای دیدن مناظر زیبا به خارج شهر می رفتند! " عَيْنِ الصَّحِيحِ :

- (۱) يَذْهَبُ خَمْسُ شَبَابٍ مَعَ ثَلَاثَةِ سَيَّارَاتٍ لِرُؤْيَا الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ رَابِعَ مَرَّاتٍ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ!
 (۲) كَانِ خَمْسَ شَبَابٍ قَدْ ذَهَبُوا مَعَ ثَلَاثَةِ سَيَّارَاتٍ لِمَشَاهِدَةِ الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِلَى خَارِجِ الْبَلَدِ!
 (۳) خَمْسَةُ شَبَابٍ كَانُوا يَذْهَبُونَ مَعَ سَيَّارَاتِ الثَّلَاثَةِ إِلَى خَارِجِ الْبَلَدِ لِرُؤْيَا الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ لِلْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ!
 (۴) كَانِ خَمْسَةُ شَبَابٍ يَذْهَبُونَ لِلْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ مَعَ ثَلَاثِ سَيَّارَاتٍ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِمَشَاهِدَةِ الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ!

کَنُورِ سَرَّاسِرِي زَبَانِ ۹۲

▪ عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ . (۲۶ - ۳۳)



۲۶- " علينا أن نحترم كل من يؤدي لنا خدمة حتى يستمر هذا العمل الحسن عند الناس! " :

- (۱) باید همه ی خدمتگزاران که خدمتی انجام می دهند مورد احترام ما واقع شوند تا بین مردم این اعمال خوب رایج شود!
- (۲) برماست که هر کس را که برای ما خدمتی انجام می دهد احترام کنیم تا این عمل نیک نزد مردم استمرار یابد!
- (۳) احترام گذاشتن به هر کسی که خدمتی را به ما ارائه می دهد واجب است تا این عمل نیک نزد مردم ادامه یابد!
- (۴) همه ی کسانی را که برای ما خدمتی انجام می دهند، باید احترام بگذاریم تا نیک ترین عمل نزد مردم رایج شود!

۲۷- " الكتاب هو الذى يقدر أن يكون صديقك المخلص و ينجيك من الضلال و يرشدك إلى سبيل الرشاد! " :

- (۱) کتاب است که می تواند دوست مخلص تو باشد و تو را از گمراهی نجات دهد و به راه هدایت ارشاد کند!
- (۲) این کتاب است که می تواند همان دوست خوب تو باشد که از گمراهی رهاییت بخشد و به هدایت کشاند!
- (۳) کتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات بخش است و تو را به راه درست هدایت می کند!
- (۴) این کتاب است که می تواند دوستی خالص برایت باشد و تو را از گمراهی نجات بخشد و به راه هدایت افکند!

۲۸- " كنت أعرف منطقة مخررة و غنية بالجمال فى أقصى نقطة الشمال الشرقى من مدينتنا أقصى فيها بعض الأيام مع الأسرة! " :

- (۱) نقطه ای سبز و زیبا در دورترین مکان شمال شرقی شهر می شناختم که سرشار از زیبایی بود و با خانواده چند روز تمام آنجا بودم!
- (۲) جای زیبا و سبز و با طراوتی را بلد بودم که در شمال شرقی شهرمان قرار داشت و یک روز تمام را با خانواده در آنجا سپری کردم!
- (۳) منطقه ای سرسبز و سرشار از زیبایی در دورترین نقطه ی شمال شرقی شهرمان می شناختم که بعضی روزها را با خانواده در آنجا می گذراندم!
- (۴) منطقه ی سرسبز و غنی و پر از زیبایی وجود داشت که در نقطه ای دور دست از شمال شرقی شهرمان بود و چند روز را با خانواده ی خود در آن گذراندم!

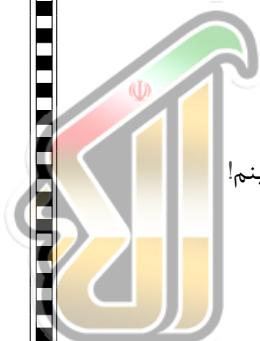
۲۹- " إنّه معطٍ كريم يعطى إعطاءً كاملاً حتى من لا يناديه و لا يسأله شيئاً! " :

- (۱) او بزرگوار بخشنده ای ست که به آنها که نمی خوانندش و درخواستی هم از او نمی کنند کامل بخشش می کند!
- (۲) او بخشنده ی کریمی است که حتی به کسی که او را نمی خواند و چیزی از وی نمی خواهد هم بطور کامل می بخشد!
- (۳) او بخشنده ای است که بزرگوارانه و کامل می بخشد حتی به آن که او را نمی خواند و یا چیزی از او درخواست نمی کند!
- (۴) او بخشنده و کریم است حتی نسبت به آنان که نه صدایش می کنند و نه چیزی از او می خواهند هم بخششی کامل دارد!

۳۰- عین الخطأ :

- (۱) من يستطيع من بيننا أن يفهم النصوص الأدبية! : چه کسی از بین ما می تواند متون ادبی را بفهمد!
- (۲) كان رأيه صواباً و الآخرون يستدلون برأيه! : نظرش درست بود و دیگران به نظر او استدلال می کردند!
- (۳) يشتري الناس أشياء أكثر مما هم بحاجة إليه! : مردم بیشتر کالاها را بخاطر نیازشان خریداری می کنند!
- (۴) عزم على أن أساعده لآنى لا أشاهد تقدماً فى علمه! : تصمیم گرفتم به او کمک کنم زیرا در کارش پیشرفتی نمی بینم!

۳۱- عین غیر المناسب فى المفهوم :



- (۱) من قصد الخير كمن فعله : إعلم أنّما الأعمال بالنيّات!
 (۲) أعظم العبادة أجراً أخفاها : بشاشة الوجه خير من سقاء الكفّ!
 (۳) قد ينفع الشيء تحسبه شراً : عسى أن تكرر هو شيئاً و هو خير لكم!
 (۴) الأهداف السامية تنادى النفوس الساعية : بقدر الكدّ تستسب المعالي!

۳۲- « سكوت خجالتی ترین حرف در دنیای پر سروصدا است! ». عین الصحیح:

- (۱) أخلّ من الكلام هو السكوت في الدنيا المكلوءة بالضوء!
 (۲) هناك سكوت أخلّ من الكلام في العالم المملوء بالضوء!
 (۳) الصمت في الدنيا و هي مملوءة بالضجيج أخلّ الكلام!
 (۴) إنّ الصمت أخلّ كلام في الدنيا المملوءة بالضجيج!
 ۳۳- " دو دوست ما سه كتاب برای مدت چهار روز از كتابخانه ی عمومی به امانت گرفتند! "

- (۱) استعارت اثنتان من صديقاتي الكتاب الثالث لزم من أربعة أيام من المكتبة العامة!
 (۲) الصديقان الإثنان استعار ثلاثة كتاب من المكتبة العامة في الأيام الرابعة!
 (۳) استعارت زميلتاي الثنتان ثلاثة كتب من المكتبة العامة لمدة أربعة أيام!
 (۴) صديقاتي الاثنتان استعارا ثلاث كتب في أربعة أيام من المكتبة العامة!

موفق باشید

